پژوهش دینی

شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۱۱۲-۹۵ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 39, Autumn & Winter 2019/2020

خاستگاه تاریخی عقل‌گرایی از منظر شیخ طوسی در تبیان و تأثیر آن در ارزیابی روایات تفسیری

سیده زینب رضوی‌کیا[1]، محسن قاسم‌پور[2]

(تاریخ دریافت مقاله: 98/10/3 ـ تاریخ پذیرش مقاله: 98/12/18)

چکیده

مفسران شیعه طی قرون متمادی به لحاظ تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شرایط یکسانی نداشته‌اند. از آنجا که تأثیر کلی فضای زمانه بر گرایش، سبک و محتوای تفسیر امری انکارناپذیر است؛ تفسیر تبیان نیز از این امر مستثنی نیست. در نگاهی کلی و با ملاحظه شرایط فرهنگی و تاریخی عصر شیخ طوسی می‌توان تصدیق کرد رویکرد حاکم بر این تفسیر، رویکرد عقلی ـ کلامی است، این مهم حتی نحوه نگرش شیخ طوسی را در مواجهه با روایات تحت تأثیر قرار داده است. در تحلیل این رویکرد عقل گرایانه، شرایط عصری سده پنجم هجری، و تحولات تاریخی حاکم بر تبادلات علمی فرهنگی آن را در بغداد نباید نادیده گرفت. نقطه عطف این تحول فکری در گفتمان شیعی آن عصر است و باید آن را در مواجهه خاص عالمانی نظیر شیخ مفید و سید مرتضی با معرفت دینی و تفسیری - حدیثی جستجو نمود. با صرف نظر از برخی اختلافات فرعی شیخ طوسی با آن دو متفکر، باید خاطر نشان کرد که او در کلانِ قضیه، پیرو مکتب فکری آنها بوده و بازتاب این پیروی را در مواجهه او با روایات تفسیری ملاحظه می‌کنیم. این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی در مقام تبیین چرایی و چگونگی تأثیر فرایند تاریخی بر روند بهره‌گیری این مفسر، به ویژه در حوزه روایات تفسیری است.

کلید واژه‌ها: *فقه الحدیث، شیخ طوسی، التبیان، عقل‌گرایی، روایات تفسیر*

1. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی ، تهران، ایران؛
zeinab.razavi65@gmail.com
2. استاد گروه علوم قرآن و حدیث ، دانشگاه کاشان، کاشان ، ایران (نویسنده مسئول)؛
ghasempour@kashanu.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

1ـ بیان مسئله

مکتب بغداد به عنوان یکی از مکاتب حدیثی و کلامی شیعه نقش مهمی در تاریخ شیعه و همچنین در میان مسلمانان دارد. پایه‌گذاری این مکتب در دروان حضور ائمه صورت گرفت و در قرن چهارم در سایه دولت شیعی آل‌بویه و حضور عالمانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی به شکوفائی رسید. از ویژگی بارز مدرسه حدیثی و کلامی بغداد عقلگرایی و استفاده از عقل و استدلال عقلانی در کشف حقایق دینی است. در یک بررسی اجمالی می‌توان از محورهایی سخن به میان آورد که به مثابه عوامل روی آوری شیعیان بغداد به عقل‌گرایی ایفای نقش کرده‌اند: توصیه و سفارش ائمه به بهره گیری از عقل، تعامل و ارتباط رهبران شیعی بغداد با معتزلیان، منازعات سیاسی و مذهبی شیعیان با حنابله و همچنین حمایت بی‌چون و چرای دولت شیعی آل‌بویه از شیعیان و ایجاد بستری مناسب برای دفاع از آراء و عقاید فرقه‌های مختلف. شیخ طوسی پرورش یافته مکتب حدیثی و کلامی بغداد است. او به عنوان یکی از علمای شیعه که در زمینه علوم مختلف اسلامی صاحب نظر و دارای تألیفات متعددی است در فضای آن روزگار که اندیشه شیعی توسط مخالفان خصوصا حنابله مورد هجمه واقع شده بود و شیعه متهم به بدعتگذاری در دین بود، در دفاع از گفتمان کلامی شیعه تألیف تفسیر تبیان را آغاز کرده و در این راستا با بهره‌گیری از سنت عقل گرایی بر آمده از آموزه‌های بزرگان دین در کنار نقل معتبر، به تفسیر قرآن پرداخت. بررسی چرایی اهمیت این مواجهه عقل گرایانه در مواجهه با روایات تفسیری، به ویژه با عنایت به شرایط عصری شیخ طوسی موضوع این پژوهش است.

2ـ فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر شیخ طوسی

مهمترین ویژگی مکتب حدیثی بغداد در این دوره عقل‌گرایی و اجتهاد در حوزه حدیث بشمار می‌آید. این گرایش که میراث‌دار مکتب حدیثی کوفه و متاثر از عقل‌گرایی خاندان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

نوبختی بود در زمان شیخ مفید به اوج خود رسید. (طباطبایی، 112) و در ادامه توسط شاگردان وی سید مرتضی و شیخ طوسی ادامه یافت. محمدبن حسن طوسی (385ـــ460) فقیه، محدث، متکلم و مفسر بزرگ شیعی بیشتر عمر گرانمایه خود را ـ یعنی حدود 40 سال ـ در بغداد گذراند. این شهر در قرن دوم توسط ابوجعفر منصور ـ دومین خلیفه عباسی ـ بناشد. (سیوطی، 310) و مرکز خلافت اسلامی و قرنها هم مرکز فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌آمد. (یاقوت حموی، 678/1) وجود دانشمندان و فقیهان و مورخان و محدثان و متکلمان از مذاهب مختلف در این شهر، بغداد را به بزرگترین پایگاه علمی و فرهنگی تبدیل کرده بود. نگاهی به کتاب تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی بیانگر جلوه سترگ و علمی فرهنگی این شهر و وجود عالمان بزرگی است که در آن شهر به ویژه در سده‌های چهارم و پنجم هجری می‌زیستند؛ و به خصوص آنکه نویسنده این کتاب (م 463) معاصر شیخ طوسی هم بوده است. وجود دانشمندان و رجال بزرگ شیعه از آغاز بنای بغداد تا زمان شیخ طوسی نکته مهمی است که در هجرت علمی بسیاری از عالمان شیعه از جمله شیخ الطائفه به این شهر موثر بوده است. در یک نگاه کلی توجه عالمان شیعی به بغداد به ویژه به موقعیت تشیع پس از امام صادق(ع) برمی‌گردد. قدم نهادن بیشتر ائمه به بغداد و سکونت و فعالیت علمی یاران و اصحاب آنان در این دیار قابل توجه است. در این باره می‌توان به کسانی مانند علی بن یقطین (متوفی 182) هشام بن حکم (م 199) محمد بن ابن ابی عمیر(م. 217) ـ از اصحاب اجماع ـ که نجاشی او را با وصف بغدادی الاصل و المقام یاد کرده، در این شهر، اشاره داشت. (تفرشی، 311/3؛ نجاشی، 326ـ433). زندگی نواب اربعه در فاصله سال‌های 260 تا 329 هـ.ق، به مثابه کسانی که عنوان و سمت وکالت خاص را از سوی ناحیه مقدسه بر عهده داشتند در این شهر را نباید از یاد ببریم. هم چنین به این فهرست حضور خاندان و کسانی دیگر مانند خاندان نوبختی، (اقبال آشتیانی، 96ـ123) شیخ مفید (م. 412) سید مرتضی (م 436) را باید افزود که هر کدام در روزگار خود از دانشمندانی به‌شمار می‌رفتند که آثارشان در جهان اسلام همواره مورد مراجعه قرار

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

می‌گرفته است. (نک : افندی ، 14/4؛ تنکابنی، 398ـــ406). بدین‌سان، موقعیت علمی و فرهنگی و حضور مذاهب اسلامی گونه‌گون در این شهر در کنار آنکه مرکز خلافت اسلامی هم بود، سیمای بغداد را با دیگر شهرهای بلاد اسلامی مخصوصا در سده‌های چهارم و پنجم هجری، متفاوت کرده بود. چنین شهری با چنین ویژگی‌هایی شرایط مناسبی را برای طرح مباحث و مناظرات علمی و مذهبی و در کنار آن دفاع از گفتمان کلامی شیعه برای اندیشمندان شیعی فراهم می‌آورد. جلوه بارز عقل گرایی، در طرح و بحث به روش‌های کلامی در سده‌های چهارم و پنجم تبلور یافت. روزگاری که به تعبیر آدام متز باید آن را عصر رنسانس اسلامی نام نهاد. در ادامه این نوشتار این موضوع را مورد واکاوی بیشتر قرار می‌دهیم.

3ـ شواهد عقل گرایی در سده چهارم و پنجم هجری

برخورد عقل‌گرایانه شیعه در فراز و فرودهای این دو سده با دیگر مذاهب اسلامی نکته‌ای غیرقابل انکار است. این رویکرد در قالب‌های مختلف توسط اندیشمندان شیعی مجال بروز یافته است. در این بخش از نوشتار دست کم این مواجهه را مرور کرده و مورد تحلیل قرار می‌دهیم. نخست عرصه رویارویی‌های نظری و تایید و یا انکار تئوریک. دوم در مقام ردیه نویسی دانشمندان در قبال دیدگاه‌های همدیگر؛ و عرصه سوم در حوزه مناظرات علمی توسط اندیشمندان مسلمان. اندکی در باب هر کدام از این سه وجه سخن می‌گوییم.

الف ـ عرصه رویارویی‌های نظری

در سده پنجم هجری و اندکی قبل از آن در دهه‌های آخر قرن چهارم در بغداد، با توجه به فراهم بودن بسترهای لازم علمی و فرهنگی، و حضور مذاهب کلامی مختلف در کنار مذاهب فقهی، ضرورت پرداختن به مباحث نظری و معرفتی انکارناپذیر می‌نمود. به طور مشخص و با عنایت به فضای تاریخی سده چهارم توجه به نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های کلامی شیعه و معتزله مهم است. به ویژه آنکه طرح این موضوع به گونه‌ای در راستای رسالت این نوشتار است. نمی‌توان از عقل گرایی سده چهارم و پنجم هجری سخن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

گفت اما به این دو مشرب کلامی یعنی شیعه و معتزله اشاره نداشت. نکته در خور توجه در این جا این است که این دو مذهب کلامی همچون دیگر مذاهب کلامی، همواره مترصد فرصت بودند تا از مبانی و دیدگاه‌های خود دفاع کنند، به خصوص شیعه که معتقد بوده و هست که پشتوانه‌های نظری آن علاوه بر قرآن، در لابلای آموزه‌های اهل‌بیت(ع) برجسته است. شایسته ذکر است، گاهی مخالفت‌های مشترک با رویکرد و روش‌های کلامی شیعه و معتزله، توسط گروه‌های رقیب هم چون اهل حدیث و حنابله، عاملی انگیزه بخش در توسعه این مباحث تلقی می‌شد به عنوان یک نمونه، غلبه فقه حنبلی در بغداد و مخالفت آنان با اندیشه‌های کلامی معتزله ـ و اساسا مخالفت با علم کلام ـ از یک سو و نزدیکی و همراهی شیعه و معتزله در بسیاری از موضوعات این دانش، از دیگر سو، بازار این مباحث را رونق می‌بخشید. در واقع این دو گروه مخالفت‌های شدیدی که از سر تعصب بود در مقابل خود می‌دیدند؛ به گونه‌ای که عالمان این دو گروه را در برابر این مخالفت‌ها متحد می‌ساخت. این موضوع یعنی همراهی معتزله با شیعه در مخالفت با اهل حدیث و گسترش اندیشه‌های معتزلی در سده چهارم با حمایت‌های آل‌بویه شیعی، نکته‌ای است که مورد تاکید بلکه تصریح اندیشمندانی مانند زهدی حسن جارالله و عبدالحکیم بلیغ که در موضوع معتزله پژوهش کرده‌اند، قرار دارد. (نکـ : زهدی جارالله، 204؛ عبدالحکیم بلیغ، 150). طبیعی است ورود به این مباحث و ایجاد مواضع مشترک البته باید با رعایت اعتدال بوده و خردمندی و کاربست روش خرد ورزی متفکران هر دو مشرب فکری را اقتضاء می‌نمود.

این همراهی‌ها باعث نمی شد که دو مشرب، به نقاط افتراق خود بی توجه باشند. به عنوان نمونه‌ای دیگر و به عنوان وجه سلبی، مخالفت‌های شیخ مفید با معتزله را باید متذکر شویم. او در جایی دیدگاه آنان را در خصوص امامت و ارجاء دیدگاهی همانند حشویه و اهل حدیث می‌داند و از کار این جماعت اظهار شگفتی می‌کند و می‌گوید شما نمی دانید چه چیزی را بپذیرید وچه چیزی را رد کنید!. (مفید، 79) این مواجهه هم، مواجهه نظری و عقل گرایانه است و کسی مانند شیخ مفید به عنوان متکلم بزرگ شیعی باید از کیان عقاید شیعی دفاع کند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

ب ـ عرصه ردیه نویسی علمی، گام دیگر عقل‌گرایی

سنت علمی و نوشتاری ردیه نویسی در طول تاریخ از جانب عالمـان ادیـان و مـذاهب مختلف به کار گرفته می‌شده است. اگر این ردیه‌ها با روشی علمی و عقلی همـراه باشـد از ثمرات و نتایج آن غالبا جوامع بهره مند می‌شوند. نقد علمی مبتنی بر روش‌هـای اسـتوار و منطقی از همین زاویه قابل دفاع اسـت. درحـوزه تفسـیر قـرآن مواجهـه‌هـای مفسـران بـا نگرش‌های تفسیری که معمولا با نقد مفسر در مقابل مفسری دیگر مطرح است بـه معنـای تایید این سنت علمی و قابل دفاع است.

باز در بازگشت به همان رویارویی‌های فکری ـ کلامی شیعه و معتزله توجه بـه مسـاله ردیه نویسی حائز اهمیت است. (در این باره نکـ : ابن‌ندیم، 751ـ753) چنـد نمونـه قابـل ذکر در این بحث به طور خلاصه یکی ردیه مومن الطاق(ابو جعفر احول محمد بـن نعمـان از اصحاب امام صادق علیه‌السلام) بر انگاره معتزله در باب امامت مفضول است. (ابن ندیم، 329) و دیگری ابن قبه رازی، ابوجعفر محمد بن عبد الرحمن متکلم شیعی (متوفی قبـل از 319) که قبلا معتزلی بود و شیعه شد و بر دیدگاه‌های ابو علـی جبـائی و ابوالقاسـم بلخـی ردیه نوشت. (نجاشی، 375). التزام و به کار گیری این سنت علمی نوشتاری توسـط همـان خاندان نوبختی به عنوان متکلمان برجسته شیعی و در همان روزگاران نیز قابل گفتن است. از همین خاندان حسن بن موسی نوبختی که نجاشی او را با عنـوان «شـیخنا المـتکلم» یـاد کرده ردیه‌هایی بر ابوعلی جبـائی، ابوهـذیل عـلاف و جعفـر بـن حـرب کـه هـر کـدام از سردمداران تاثیرگذار معتزلی محسوب می‌شوند، نوشت. (همانجا، 63) همین فرد با ابن قبـه نیز مراوده علمی داشته که نجاشی (همانجا) از کتابی در نسبت با ابن قبه بـه نـام «جواباتـه لابی جعفر بن قبه» سخن می‌گوید که شاید به پیش از تشیع ابن قبه مربوط باشد. اسـماعیل بن علی بن اسحاق نوبختی هم ردیه نویس مهمی بر صاحبان ادیـان و دهریـانی ماننـد ابـن راوندی و غالیان و واقفیان بوده است. (نجاشی، 31ـ32)

باری این سنت ردیه نویسی در یک فضای علمی و با به بکـارگیری روشـی برهـانی و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

استدلالی می‌تواند قرین توفیق باشد. دین شناسان شیعی و متکلمان با استفاده از این شیوه از عهده این کار برآمده و سنت دیرین مباحث علمی به ارث رسیده از آموزه‌های اهل بیت(ع) را جامه عمل پوشیدند.

ج ـ سنت مناظرات علمی

یکی دیگر از نمونه‌های سنت عقل‌گرایی در میان عالمان شیعه بهره‌گیری از مجالس مناظره است. شایسته است برخی نمونه‌های این شیوه علمی و جدلی که بازتابی از عقل‌گرایی این دو سده توسط عالمان شیعی را نشان می‌دهد یاد آور شویم.

نگاهی به عنوان کتابهایی با نام «مجالس و یا مجالسه» در کتب فهرست نگاری شیعه دست‌کم یک برداشت دیگری غیر از معنای امالی را می‌رساند و آن اینکه مجالس مناظره صاحب اثر است. در بین آثار نوبختی‌ها، هم حسن بن موسی و هم اسماعیل بن علی بن اسحاق دارای چنین آثار معرفی شده‌ای هستند. (نک : نجاشی، 31ـ32 و 63) که باید آنها را جزء مناظرات علمی آنان دانست. حتی گفته شده شیخ صدوق پس از شرکت در مناظرات علمی که توسط رکن الدوله دیلمی ترتیب داده شده بود، کتاب توحید را در رد اشکالات معتزله و حملات آنها نوشت. (خوانساری، 141/6) شیخ مفید نیز اهل مناظره بوده است. یک نمونه آن مناظره او با قاضی ابوبکر باقلانی متکلم اشعری اهل سنت است. (قاضی عیاض، 50/7).

مناظرات شیخ مفید و سید مرتضی با بزرگان اهل سنت و دیگر نحله‌ها به خوبی گویای فضای موجود آن روزگار است. شیخ مفید پیرامون موضوعاتی همچون عصمت، امامت، حدیث غدیر، فدک، رجعت، غیبت امام زمان، آیه تطهیر و... مناظراتی با بزرگان اهل سنت خصوصا رمانی، ابوبکر باقلانی، ابوحامد اسفراینی شافعی، قاضی عبدالجبار معتزلی داشت به طوری که بسیاری از مناظرات شیخ مفید در کتاب فصول المختاره او آمده است. (نک : فصول المختارة، 18و26و30و34و53و81).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

4ـ عقل‌گرایی در تفسیر تبیان به مثابه یک مبنا

قبل از هر چیز باید منظور از عقل‌گرایی روشن گردد. عقل‌گرایی در حوزه‌های مختلف معرفتی مطرح و معنای خاصی از آن اراده شده است. در فلسفه در برابر تجربه‌گرایی است. البته عقل‌گرایی در این جا هم به دو بخش واقع‌گرایانه و معناگرایانه تقسیم شده است. (نک: پل فولکیه، 192ـ193؛ 215ـ216) در کلام، عقل‌گرایی در برابر نص‌گرایی است. در این علم عقل‌گرایی یعنی استفاده از عقل به مثابه منبع دریافت و نیز روش درک حقایق دینی. یعنی عقل هم منبع است و هم روش دریافت حقایق دینی. در علم اصول، عقل‌گرایی را می‌توان در برابر اخبار گرایی مطرح ساخت. در حوزه تفسیر قرآن، منظور از عقل‌گرایی گاهی تقدم و رجحان عقل بر نقل در تفسیر است همان‌گونه که روش معتزله بود، و گاهی هم منظور از آن، اجتهاد عقلی به مثابه یک روش اجتهادی در فهم مراد الهی است، یعنی به کارگیری استدلال عقلی در کنار روایات به ویژه در خصوص مفسری نظیر شیخ طوسی که نقل روایات در تفسیر را کافی ندانسته و روشی استدلالی را در تفسیر خود به کار برده است و به همین دلیل از نظر مفسری مثل علامه طباطبایی تفسیر تبیان، صبغه کلامی اش برجسته است. (طباطبایی، قرآن در اسلام، 59). تصریح این مفسر بر نفی تقلید در تفسیر و نقد تفاسیر گذشته آن گونه که در مقدمه تفسیرش از آن سحن گفته، بخوبی از روش عقل‌گرایانه و اجتهادی این مفسر پرده برمی‌دارد. در کاربست این مبنای تفسیری شرایط عصری و تاریخی عصر شیخ طوسی و بهره‌گیری از اساتیدی مانند شیخ مفید و سید مرتضی ـ عالم عقل‌گرای شیعی ـ در این جهت‌گیری تفسیری بی‌تاثیر نبوده است. چنین می‌توان گفت شیخ طوسی به همراه اساتیدش شیخ مفید و سید مرتضی بنا به برداشت یکی از محققان از دیدگاه مکدرموت متعلق به جریانی از عقل‌گرایی بوده که، میان عقل‌گرایی معتزله و جریان عقل گرای نوبختی شیعه است . (نکـ : پاکتچی، 324/12). این نوع عقل‌گرایی که در مباحث کلامی بزرگان یاد شده و ذیل موضوعاتی مانند توحید، عدل، امامت، شفاعت، وعد و وعید آمده راه شیعه و معتزله و حتی راه این سه شخصیت را با

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

برخی عالمان خاندان نوبختی شیعه در مواجهه با آموزه‌های دینی بـر اسـاس عقـل متمـایز می‌سازد. کتاب اوائل المقالات شیخ مفید به روشنی این تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد. بر این اساس می‌توان تاکید کرد در حوزه تفسیر قرآن نیز کسی مانند شیخ طوسی از ایـن مواجهـه عقلانی که مبنایی است و ریشه‌های آن در خود آیات قرآن و روایات، استفاده کرده اسـت. او در برخی آثار خود به تعریف عقل پرداخته و عقل را مجموعه‌ای از معرفت‌های بـدیهی و فطری عقل دانسته که هم شامل معرفت‌های نظری و هم معرفت‌های عقل عملـی اسـت. (طوسی، تمهید الاصول فی علم الکلام، 169) توجه به مبنای عقلی در تفسیر تبیـان ـ البتـه به دیگر سخن ـ ، از نظر این مفسر و با بررسی آیات قرآن و آموزه‌های پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت ایشان خصوصا بیانات امام علی(ع) در باب توحید و چگـونگی بهـره‌گیـری آن حضرت از عقل و استدلالات عقلی این نتیجه حاصل می‌شود کـه عقـل و عقـل گرایـی در وهله اول ریشه در آیات قرآن سپس در بیانات معصومان(ع) دارد؛ و تاثیر پـذیری شـیعیان از ائمه معصومان بر کلام معتزله تقدم زمانی دارد. قرآن کریم، ایمان و شـناخت را بـر پایـه تعقل و تفکر بنا نهاده است و همواره انسان‌هـا را بـه تفکـر در خـود قـرآن فرامـی‌خوانـد. (النساء، 89 و الاعراف، 169) در آیات متعددی مخاطبان خود را به تفکـر و تـدبر و تعقـل فرامی‌خواند و با عبارات "أفلا تعقلـون"، "أفـلا تتفکـرون"، "أفلاتبصـرون" مـردم را بـه هوشیاری دعوت می‌کند. در روایات نیز از عقل به عنوان حجـت بـاطن یـاد شـده اسـت. (حرانی، 386) رویکرد عقلگرایانه ائمه و تعبیرات آنان پیرامون عقل و سخنان آنان دربـاره مباحث توحیدی، عدل، جبر و اختیار و ... و همچنین مناظرات ائمـه و شـاگردان آنـان بـا مخالفان نشان از اهمیت عقل و رویکرد عقلی دارد. در تفسیر تبیان در کنار استفاده از نقـل و روایات، مبنا و اساس استفاده از استدلالات عقلانی است که به خوبی جهـت رسـیدن بـه هدف تفسیر که فهم مراد الهی است، بهره‌مند شده و از نقل به عنـوان مؤیـد و شـاهدی بـر استدلالات عقلانی کمک گرفته است. از منظر شیخ طوسی عقلگرایـی آن قـدر بـا اهمیـت است که انجام واجبات و دوری از کردارهای زشت را بواسـطه برخـورداری فـرد از عقـل

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

می‌داند. (طوسی، التبیان، 200/1) همچنین در اهمیت عقل‌گرایی از منظر شیخ طوسی همین بس که وی در مقدمه کتاب المبسوط نیز انگیزه خود از تألیف کتاب را خو گـرفتن علمـای شیعه با صریح الفاظ روایات بیان می‌کند و از ایـن جمـودگرایی انتقـاد مـی‌کنـد. (طوسـی، المبسوط، 2/1) ایشان از عنصر عقل به عنوان یکی از ابزارهای مفسر در تفسیر آیات بهـره بـرده و در نقـل اقـوال (همـو، التبیـان، 107/1؛ 382/2؛ 83/3؛ 124/6)، ارزیـابی روایـات، (همانجا، 422/2 و 32/5و55.) نقـد اسـرائیلیات (همانجـا، 124/6 و 510/8)، تبـین صـفات خداوند (همانجا، 93/5)، عصمت انبیاء (همانجا، 163/1و 128/8و510) ، اثبـات عقایـد شـیعه (همانجا، 263/3و559 و 325/9ـ326) از عقل استفاده نموده اسـت. البتـه برآینـد نهـایی ایـن تفسیر با توجه به کلامی بودن آن دفاع از گفتمان کلامی شـیعه اسـت. بـا عنایـت بـه آنچـه کـه آوردیم اکنون شایسته است با ذکر نمونه‌هایی از مواجهه شیخ طوسـی بـا روایـات تفسـیری کـه می‌توان از آن به عنوان سیره فقه الحدیثی شیخ طوسی یاد کرد موضوع را پی می‌گیریم.

4ـ1. عقل‌گرایی به مثابه مبنایی مهم در ارزیابی روایات تفسیری

شیخ طوسی در تفسیر آیات قرآن روایاتی را که به عنوان شاهد در تایید قول خـود یـا رد اقوال دیگران ذکر می‌کند با معیار عقل می‌سنجد. همـان‌گونـه کـه آمـد عقـل‌گرایـی در تفسیرآموزه‌های قرآن و حدیث توسط شیخ طوسی یک مبنا به شمار می‌آید. در حوزه فهم و تبیین حدیث به ویژه شیخ طوسی وامدار سلف خویش، شیخ مفید اسـت عـالمی کـه بـه روشنی تاکید و بلکه تصریح کرده که حدیثی که برخلاف احکام عقلی باشـد مبنـای حکـم قرار نمی‌گیرد. (شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، 149) نگاه شیخ طوسی و تبیین او را در نسبت عقل و حدیث می‌توان بر اساس همان نگرشی دانست که شیخ مفید برآن تاکید کـرد. تبلـور آشکار دیدگاه شیخ طوسی به عنوان شاگرد مفید از حیث توجه به عقل، در نگرش طوسـی و مواجهه او با منابع تفسیری نهفته است. نگرش او گویای این حقیقت است که وی تقلید از هیچ مفسری را روا نمی‌داند. به باور او قبول آراء تفسیری و تاویلی مبتنی بر ادله عقلی یـا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

شرعی معتبر است. او خبر واحد را از جمله ادله شرعی معتبر در تفسیر نمی‌داند. او کـاربرد عقل را در فهم قرآن جایز و لازم می‌داند. (شیخ طوسی، تبیان، 4/1ـ7) این چنـین نگـاهی از سوی شخ طوسی در تفسیر باعث گردیده وی ضمن آنکه به روایات به عنوان یک منبـع بنگرد اما این روایات نباید با احکام روشن عقل و بنای عقـلا مباینـت داشـته باشـد. ایـن مواجهه هم ریشه‌های معرفتی دارد زیرا عقل به آن فتوا مـی‌دهـد و هـم از مجمـوع آیـات قرآنی و دعوت این کتاب آسمانی به تدبر وژرف نگـری چنـین اسـتنباط مـی‌شـود و هـم آموزه‌های قطعی و تردید ناپذیر اهل بیت تشویق کننده به طی چنین مسیری است. در کنـار این موضوع سیره نوشتاری شیخ طوسی در حوزه آثار فقهی نیـز چنـین نگـاهی را خـاطر نشان می‌سازد. کتاب خلاف شـیخ طوسـی و نهایـه او، بـه غایـت کتـابی اسـت اصـولی و مجتهدانه با بهره‌گیری از مواجهه‌های عقل‌گرایانه. با توجه به آنچه گفته شد نمونه‌هـای ایـن موضع‌گیری‌ها را در حوزه روایات تفسیری در ادامه نوشتار پی می‌گیریم.

4ـ1ـ1. بررسی روایت شناخت خدا توسط کوه‌ها

در ذیل آیه 74سوره بقره «... **إِنَّ مِنهَا لَمَا يهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَـا اللَّـهُ بِغَافِـلٍ عَمَّـا تَعْمَلُونَ**» و در تفسیر آیه چهار قول نقل می‌کند قول چهارم که در تبیان از زجاج نقـل شـده این است که خداوند شناسایی خویش را به پاره‌ای از کوه‌ها عنایت فرمود و آن کوه اطاعت و فرمانبرداری او را درک نمود مانند همان کوهی که خداوند هنگام سخن گفتن با موسی بر آن متجلی و ظاهر شـد و در نتیجـه خـراب و ویـران گردیـد سـپس در ادامـه روایتـی از پیامبر(ص) نقل می‌کند.[1] «سنگی در جاهلیت بر من سلام می‌داد و هم اکنون مـن آن سـنگ را نمی‌شناسم» (همانجا، 310/1) شیخ طوسی این قول زجاج را نادرسـت، محـال و مغـایر عقل می‌داند و در رد این روایت می‌نویسد: «کوه تا زمانی که جماد و سنگ است شناسـایی و معرفت خداوند در آن امکان ندارد و اگر حیات پیدا کند دیگر کوه نخواهد بود، و منظـور

1. روی عن النبی «ص» انه قال: إن حجراً کان یسلم علیّ فی الجاهلیة إنی لا أعرفه الآن.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

از روایت بر فرض صحّت این است: خداوند آن سنگ را نعمت حیات و زنـدگی بخشـید و پس از آن بر نبی اکرم سلام داد و سپس بحال اول برگشت. و این خـود یکـی از معجـزات آن پیامبر بزرگ بود» (همانجا) در تحلیل و بررسی این روایت باید چنین خاطر نشان کـرد که در گفتمان کلامی شیعه معجزه خلاف عقل نبوده و به اصطلاح ممکن عقلی اسـت و نـه محال. وقوع آن با اصل علیت که اصلی است فلسفی قابل جمـع . نهایـت آنکـه بـرخلاف حس و تجربه است. وقوع خارق العاده بودن معجزه مورد تایید قـرآن اسـت. در آیـه 110 سوره مائده کار حضرت عیسی مبنی بر زنده کردن مردگان امری خارق العاده شمرده شـده است. در این‌جا نیز شیخ طوسی با تحلیلی عقلی تصریح کرده این روایت با توجه به مبـانی مورد پذیرش در قبول اصل معجزه، نمی تواند با مبانی عقلی سازگار باشد.

4ـ1ـ2. روایت ناظر بر عصمت انبیاء

نمونه دیگر بررسی روایتی است درباره عصمت انبیاء ذیل آیه شریفه «**بَلْ فَعَلَهُ کَبِیـرُهُمْ**»، ایشان قول کسانی را که می‌گویند دروغ گفتن در میکده و در حالـت تقیـه جـایز اسـت را قولی باطل می‌داند، به دلیل اینکه دروغ را زشت می‌داند که به هیچ وجه پسندیده نیست اما روایتی که از پیامبر(ص) درباره حضرت ابراهیم(ع) نقل شده است که حضرت دروغ نگفـت مگر در سه مورد 1ـ آنجا که گفت: بیمارم. 2ـ همین جا که گفت: بت بـزرگ کـرده اسـت. 3ـ آنجا که شاه مصر میخواست زنش را بگیرد و او زن خود را خواهر معرفـی کـرد، قابـل قبول نیست. ایشان علاوه بر اینکه این خبر را خبر واحدی می‌داند کـه بـه آن نبایـد توجـه نمود و پیامبر(ص) به آنچه بر انبیاء جایز بود و آنچه بر هر کدام جـایز نبـود آگـاه بـود بـه دلائل عقلی نیز این روایت را رد می‌کند چرا که عقل دلالت می‌کند بر اینکه بر انبیـاء جـایز نیست که در آنچه که از جانب خداوند به آنها سپرده شده است دروغ بگویند زیرا ایـن امـر باعث می‌شود که به هیچ یک از اخبار آنها اعتماد نشود و از قبول اخبارشان اجتنـاب شـود بنابراین واجب است که بگوییم که این خبر اصـل و اساسـی نـدارد. (همانجـا، 510/8) در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

تحلیل بیشتر در خصوص گفته‌های حضرت ابراهیم باید چنین افزود که این پیامبر الهی در مقام معارضه با دشمنان بود و سخنانی گفت که آنها گمان کردند خلاف واقع است اما او می‌خواست عقیده نادرست آنها را به رخ آنها بکشد. نکته دیگر آنکه همیشه قرائن لازم برای یک سخن باید وجود داشته تا آن سخن به دروغ حمل گردد که در مورد سخن ابراهیم(ع) این قرائن صدق نمی‌کند. برداشت‌های مختلف ممکن است از یک سخن همواره وجود داشته باشد و توجیه عقلی هرکدام از این تعابیر در جای خود موجه می‌نماید. این که ایشان فرمود «انی سقیم» ممکن است حمل بشود با این‌که شما چنین فکر می‌کنید و می‌اندیشید و یا اینکه فرمود او خواهر من است چنان‌که مفسران گفته‌اند ممکن است به این معنا باشد.

4ـ2. نفی استنادات رقیب با تکیه بر عقل

در فرازهایی از تفسیر تبیان دیدگاه‌های برخی مشرب‌های کلامی همانند اعلام معتزلی مورد انکار قرار می‌گیرد. صرف آنکه برخی از همین معتزلیان برای تایید دیدگاه خود به روایات استناد می‌کنند با اینکه روش آنها عقلی است و نه روایی. شیخ طوسی نیز در این قبیل موارد با رویکردی عقل مدار با دیدگاه تفسیری و استنادشان به روایت مقابله می‌کند. دو نمونه را در ادامه طرح و بررسی می‌کنیم.

4ـ2ـ1. نمونه اول: روایت موسوم به برترین جهاد در برابر سلطان ستمگر

شیخ طوسی در ذیل آیه «وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِيمٍ» (آل‌عمران، 21) نقل می‌کند که رمانی به این آیه استدلال کرده است که نهی از منکر حتی با وجود ترس از کشتن جایز است و در تأیید قول خود به این روایت پیامبر(ص) استناد نموده است.[1] «برترین جهادها کلمه حقی است در نزد سلطان ستمکاری که بواسطه آن انسان کشته شود.» (همانجا، 422/2)

1. «أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر يقتل عليها».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

شیخ طوسی استدلال رمانی به این حدیث را نمی‌پذیرد چرا که از نظر وی نهی منکری که منجر به قتل فرد شود قبیح است و خبری که رمانی بدان استناد نموده خبر واحد است و نمی‌توان آن را در برابر حکم عقل روا دانست. ایشان در این زمینه می‌نویسد: «آنچه آنان گفته‌اند نادرست است به دلیل اینکه شرط جواز انکار منکر آن است که مفسده‌ای در پی آن نیاید و به قتل انکار کننده منجر نشود و آن‌گاه که انکار منکر موجب قتل او شود هر دو شرط منتفی می‌شود پس در این فرض هر دو شرط منتفی است و چنین نهی از منکر قبیح است بنابراین روایاتی که نقل می‌کنند خبرهای واحدی است که با ادله عقلی نمی‌توانند مقابله کنند.» (همانجا، 423) شایان ذکر است چنانچه منکر به صورت وسیع و گسترده شایع باشد و حفظ دین به خطر بیفتد عقل حکم می‌کند که برای جلوگیری از آن منکر و حفظ دین جان خویش را به خطر انداخت. (سلطانی رنانی، 100)

4ـ2ـ2. نمونه دوم: روایت مصداق قرار گرفتن حضرت مهدی (ع)

نمونه دیگر از کاربرد عقل در تبیین روایات، در تفسیر آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِم...» (النور، 55) آمده است. مفسر ما شیخ طوسی تفسیری را از اهل بیت نقل می‌کند که مصداق آیه را حضرت مهدی(عج) معرفی می‌کند.[1] شیخ طوسی در تفسیر این آیه با یک استدلال عقلی به نقد کسانی می‌پردازد که مصداق آیه را خلفای اربعه ذکر می‌کنند ایشان سه دلیل در رد این نظریه ذکر می‌کند: 1ـ استخلاف در این آیه به معنای جانشینی نیست بلکه به معنای ابقای صالحان و تعویض آنهاست چنانچه در آیه 39 سوره فاطر می‌فرماید: «هُوَ الَّذی جَعَلَكُمْ خَلائِفَ ...» 2ـ بر فرض اگر مراد از «استخلاف» امامت باشد می‌بایست تصریح به امامت آنها می‌شد.3ـ این ادعای تمام مفسران نیست مجاهد می‌گوید منظور، امت محمد است و از ابن عباس و غیر او قریب همین معنا نقل شده است. (طوسی، 457/7).

---

1. «قال أهل البيت (ع) إن المراد بذلک المهدی (ع) لأنه يظهر بعد الخوف، و يتمكن بعد ان كان مغلوبا».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

4ـ3. انکار سهو النبی

یکی از مولفه‌های مهم در باره عصمت پیامبر(ص) عصمت او از سهو و نسیان است با علم و تاکید بر اعم بودن سهو از نسیان و تصریح بر این نکته که وقوع یا عدم وقوع سهو این سهو، دریافت و ابلاغ وحی را شامل نمی‌شود. (نکـ : دیاری بیگدلی و دیگران، 126ـ127) در عین حال دیدگاه‌های مختلفی در این باره در بین عالمان وجود دارد. عمده این اختلافات به واسطه وجود روایاتی است که در این زمینه رسیده و البته مورد نقد و بررسی حدیث پژوهان قرار گرفته است. (نکـ : همانجا) بحث درباره این حدیث در این جا مورد نظر ما نیست بلکه هدف از طرح این نمونه، نگاه عقل‌گرایانه شیخ طوسی به موضوعی است به نام سهو النبی، که ذیل تفسیر برخی آیات مانند آیه 69 سوره انعام توسط برخی مفسران (قرطبی، 68/7؛ طوسی، تبیان، ذیل آیه مورد نظر) رسیده و او روایات مورد نظر را در تهذیب الاحکام و استبصار آورده و سپس آن‌ها را خلاف حکم عقل قطعی می‌داند. (طوسی، تهذیب الاحکام، 181/2؛ همو، استبصار، 371/1) مناسب می‌نماید عین عبارت شیخ طوسی را ذیل دو حدیث وارد شده بیاوریم. او گفته است: مع ان فی الحدیثین الاولین ما یمنع من التعلق بهما و هو حدیث ذی الشمالین و سهو النبی (ص) و هذا مما تمنع العقول منه.

4ـ4. بررسی روایات ناظر بر محاسبه خطورات قلبی انسان

در آیه شریفه 284 سوره بقره، خداوند می‌فرماید: «و اگر آنچه در دلهای خود دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند.» ذیل تفسیر این آیه روایاتی رسیده که بر مبنای آن، ادعا شده این آیه نسخ شده و ناسخ آن هم آیه «**لا یکلف الله نفسا الا وسعها**» یعنی آیه بعد از آن است. شیخ طوسی اولا این روایات را ضعیف دانسته و متذکر شده نسخ چنین آیه‌ای بر اساس این قبیل روایات ادعا شده صحیح نیست؛ زیرا آیه متضمن امر یا نهی نیست که بخواهد نسخی در مورد آن وارد شود. سپس به این نکته

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

می‌پردازد که قبول نسخ آیه مورد بحث با آیه «لایکلف الله نفسا الا وسعها» به این معنا خواهد بود که ابتدا خداوند تکلیفی ما لایطاق را وضع کرده و سپس آن را نسخ کند و این معقول نیست. او می‌افزاید چیزی که تکلیف درباره آن مطرح نیست با دلیل عقل مورد نسخ قرار نمی‌گیرد. نسیان و یا خواطر نفسانی که از مقوله کسب انسانی است (اکتساب) در دایره محاسبه الهی قرار نمی‌گیرد. در توضیح دیدگاه شیخ طوسی و در انکار روایات ادعایی وارد شده در باب نسخ و عقلایی نبودن باید تاکید کنیم همان‌گونه که مرحوم علامه طباطبایی (طباطبایی، المیزان، 435/2) معتقد است خطورات و وارداتی که بدون اختیار آدمی در نفس انسان وارد می‌شود و یا پیدایی تصوراتی ساده که تصدیقی را به دنبال ندارد بی‌آنکه آن تصور در عمل تصدیق شود، این قبیل موارد از آیه برداشت نمی شود. ملاحظه می‌کنیم شیخ طوسی در تفسیر آیه با نگرشی عقل گرایانه تصور نسخ آیه را بر اساس روایات مورد انکار قرار می‌دهد.

نتایج مقاله

عقل و عقل‌گرایی در مکتب شیعه ریشه در آموزه‌های قرآنی و بیانات و سیره عملی اهل‌بیت دارد که همواره از عقل به عنوان حجت باطن در جهت تبیین مبانی و معارف اسلامی استفاده می‌نمودند. عقل‌گرایی در میان عالمان شیعیه فراز و فرودهایی داشته است؛ که هر کدام متاثر از فضای حاکم بر جامعه بوده است. شیخ طوسی به عنوان یکی از مفسران بزرگ شیعه در تفسیر تبیان، با توجه به بسترهای تاریخی این موضوع توجه به عقل‌گرایی را که پیش از این توسط خاندان نوبختی به کار گرفته می‌شد و نیز با عنایت به بهره‌گیری از سیره علمی و عملی اساتید خود همچون شیخ مفید و سید مرتضی این مهم را در تفسیر خود به کارگرفته است. شیخ طوسی در تفسیر خود، از روایت نیز استفاده کرده است اما روح حاکم بر مواجهه او با روایات تفسیری جدا از نگاه عقلی ـ کلامی او که بر تمام تفسیرش سایه افکنده، نیست. وی از عقل به مثابه یک مبنا و معیار مهم در برخورد با روایات تفسیری استفاده کرده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

کتابشناسی

1. قرآن کریم
2. ابن ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، تهرا، انتشارات امیر کبیر، 1366هـ.ش.
3. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، ریاض العلماء و حیاض الفضلا، محقق، احمد، حسینی اشکوری، قم، کتابخانـه آیـت الله مرعشی، 1401ق.
4. اقبال آشتیانی، عباس، خاندان نوبختی، تهران، انتشارات طهوری، 1357ش.
5. پاکتچی، احمد، دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، مدخل بغداد، 1383ش.
6. پل فولکیه، ما بعد الطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،1370ش.
7. تفرشی، مصطفی بن حسین، نقدالرجال، قم، موسسه آل البیت لاحیا التراث، 1376ش.
8. تنکابنی، میرزا محمد بن سلیمان، ریاض العلماء، تهران، انتشارات علمیه اسلامیه، بی تا.
9. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (ص) چاپ: دوم، قم، جامعه مدرسین، 1404 ق.
10. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، نشر اسماعیلیان1390 ق.
11. دیاری بیدگلی، محمدتقی و دیگران، ثقه الاسـلام کلینـی و روایـات سـهوالنبی(ع)، حـدیث پژوهـی، شـماره 10، 1392ش.
12. زهدی جارالله، المعتزله، بیروت، موسسه العربیه لدراسات و النشر،1410ق.
13. سلطانی رنانی، محمود، تحلیل عقلی و عقلایی مبانی شیخ طوسی در تفسیر قرآنی، دانشگاه قم، 1391ش.
14. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، تاریخ الخلفا، تحقیق: ابراهیم صالح، دار الصادر، بیروت، 1424ق.
15. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ: پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعـه‌ی مدرسـین حوزه علمیه قم، 1417ق.
16. همو، قرآن در اسلام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1361ش.
17. طباطبایی، محمد کاظم، تاریخ حدیث شیعه، چاپ اول، قم ـ ایران، موسسه علمی فرهنگی دار الحـدیث، سـازمان چاپ و نشر، 1390ش.
18. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تحقیق: سید حسن خرسان، تهران، دارالکتب العلمه، 1365ش.
19. همو، الاستبصار: تحقیق: سیدحسن خرسان، دارالکتب العلمیه، تهران، 1365ش.
20. همو، التبیان فی تفسیرالقرآن با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیرعاملی، چاپ: بیروت، ناشـر: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
21. همو، المبسوط فی فقه الإمامیة، 1387، تهران، مرتضوی، چاپ: سوم.
22. همو، تمهید الاصول فی علم الکلام تصحیح: عبد المحسن مشکوه الدینی، تهران انتشارات دانشگاه، تهران، بی تا.
23. عبدالحکیم بلیغ، ادب المعتزله، قاهره، دار نهضه مصر 1969م.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]

24. قاضی عیاض، ترتیب المدارک، تحقیق: سعید احمد اعراب ، بی جا،1981-1983م.
25. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، 1364ش.
26. مفید، محمد بن نعمان، الفصول المختاره، تحقیق میر شریفی، بیروت، دار المفید،1414ق.
27. همو، تصحیح الاعتقاد، تحقیق حسین در گاهی، قم الموتمر العالمی لالفیه شیخ المفید ، 1413.
28. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه(رجال)، تحقیق شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، حوزه علمیه، قم، 1418.
29. یاقوت حموی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، چاپ وستنفلد، لایپزیک، 13886ـ1870م.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.5.5]